

The impact of technological growth on civil liability (Tort Law) (Transformation from the debt of responsibility to the demand for compensation)



Mahmoud Kazemi

Associate Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political sciences, University of Tehran.
Email: makazemy@ut.ac.ir



Abstract

With the rapid development of technology in the 20th century and the increase of harmful accidents and their complexity, the proving of a claim for compensation based on the rules of civil liability by the injured party, has become difficult and sometimes impossible. For this reason, the civil liability system has changed. In the first step, the judicial procedure of the countries has moved to adjust the conditions of civil liability and by changing the concept of fault, loss and causation relationship, as well by using the presumption of fault and assuming the responsibility, the proving of conditions of civil liability has been facilitated. In the following, the legislators also deviated from the principle of personal responsibility and accepted the liability for the act of others and liability for ownership of things, and then

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

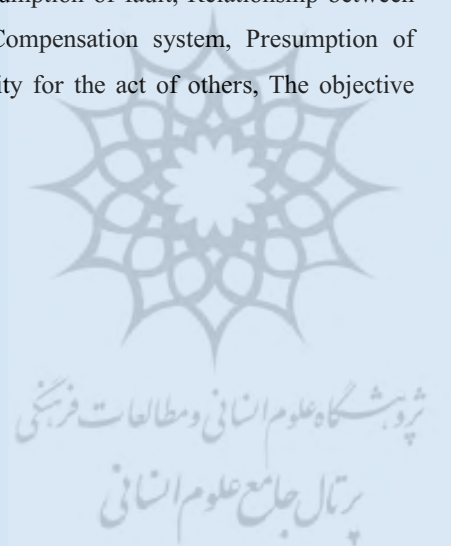
Vol. 2 | No. 3 | Spring and
Summer 2025
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jpl.2025.721256

created a non-fault compensation system, therefore civil responsibility became objective. Instead of relying on the responsible person, they paid attention to the victim and the fact that he is a creditor and his loss must be compensated, even if there is no responsible person according to the general rules of civil responsibility. Therefore, the obligation of compensation has been transferred from the responsible person to the society, and the responsibility has turned from a subjective state into an objective one.

KeyWords: Presumption of fault, Relationship between Civil liability and Compensation system, Presumption of responsibility, Liability for the act of others, The objective civil liability.



تأثیر رشد فناوری بر حقوق مسئولیت مدنی؛ تحول از دین مسئولیت به طلب جبران خسارت

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم
سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: makazemy@ut.ac.ir.

محمود کاظمی



چکیده

رشد سریع فناوری در قرن بیستم و افزایش حوادث زیان بار و پیچیدگی آنها سبب شده که اثبات دعوی جبران خسارت بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی و نیل به جبران خسارت از سوی زیان دیده دشوار و گاه غیر ممکن شود. به این دلیل نظام مسئولیت مدنی متحول شده است. در گام نخست رویه قضائی کشورها در جهت تعدیل شرایط مسئولیت مدنی حرکت کرده و با تغییر در مفهوم تقصیر، ضرر و رابطه سببیت و استفاده از اماره تقصیر و فرض مسئولیت اثبات شرایط مسئولیت مدنی را تسهیل کردند. در ادامه قانون‌گذاران با انحراف از اصل شخصی بودن مسئولیت و پذیرش مسئولیت ناشی از فعل غیر و فعل شیء و سپس ایجاد نظام جبران خسارت به سمت نوعی شدن مسئولیت مدنی گام برداشتند. آنها به جای تکیه بر شخص مسئول به زیان دیده توجه نمودند و این که او طلبکار است و باید زیان او از طریق خاص جبران شود،

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jpil.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jpl.2025.721256

حتی اگر مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی شخص مسئولی وجود نداشته باشد. بنابر این بار جبران خسارت از شخص مسئول به جامعه منتقل شده و مسئولیت از حالت شخصی به نوعی تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: اماره تقصیر، رابطه مسئولیت مدنی و نظام جبران خسارت، فرض مسئولیت، مسئولیت ناشی از فعل غیر، نوعی شدن مسئولیت مدنی



مقدمه

۱- از اواخر قرن هجدهم در جهان تحولات چشم گیری در حوزه صنعت شروع شد و در جهان تغییراتی ایجاد گردید. اگر چه به اعتقاد نویسندگان تعیین مبدائی برای تحولات چشم گیری که در جهان به لحاظ علمی و فناوری صورت گرفته و بعد ها نام انقلاب صنعتی به خود گرفت، بسیار مشکل است، به رغم آن اکثر نویسندگان آغاز آن را اواخر قرن هجدهم میلادی دانسته اند؛ اما بی تردید نمی توان برای آن پایانی قائل شد (محسنی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۰) و این تغییرات با سرعت ادامه دارد و در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رشد فناوری سبب شد که آن را انقلاب دوم صنعتی بنامند و این روند در قرن بیستم به اوج خود رسید؛ به گونه ای که به اندازه کل تاریخ جهان در آن یک قرن، تغییرات ایجاد شده است . انقلاب صنعتی نام یک رویداد مشخص تکنولوژیکی و فنی نیست، بلکه توصیفی برای یکی از روندهای توسعه در جهان است که نه تنها در زمینه علم و فناوری بلکه در تمام شئون زندگی بشر تأثیر گذار بوده است. علت نامیدن این تحولات به انقلاب نیز، همین امر بوده است. در واقع این اختراع ماشین ها و ابداع تکنولوژی نبود که انقلاب را به وجود آورد؛ مسلماً اختراع ماشین بخار، ماشین پنبه پاک کنی، لکوموتیو و ریل، ماشین های نساجی، اتومبیل، ماشین های راه سازی، هواپیما و بعد ها کامپیوتر و... اختراعات بزرگی بودند، اما به این دلیل به آن ویژگی «انقلاب» داده شده است که این ها عواملی برای دگرگونی های اجتماعی مهم تر بوده و بر تمام شئون جامعه تأثیرگذار بوده اند (محسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). این عوامل مردم پراکنده در مزارع را جمع کرد و به درون کارخانه ها آورد؛ کارخانه امکان تولید انبوه را فراهم کرد و بر اثر این تولید به تدریج، جامعه ای به وجود آمد که در آن ثروت منحصرأ در اختیار تعدادی معدود نبود (محسنی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۲). به دنبال آن روابط اجتماعی پیچیده ای شکل گرفت. ابداع وسایل حمل و نقل سبب نزدیکی

شهرها به یکدیگر شد و ارتباطات بین مردم بیشتر شد؛ بعد ها با ابداع وسایل ارتباط جمعی این روند موجب ایجاد روابط نزدیک بین مردم جهان در نقاط دوردست شد.

۲. این تحول در تمام شؤون اجتماعی مؤثر بوده و بر تمام شاخه های علوم از جمله علوم اجتماعی، تأثیر گذار بوده است. اما در این میان تأثیر آن بر علم حقوق هم در خور تأمل است. شکل گیری روابط اجتماعی پیچیده، قواعد حقوقی جدیدی را اقتضا دارد. بر این اساس در حوزه حقوق قراردادهای شکل های نوینی از عقود مانند عقد بیمه، پیش فروش ساختمان، مشارکت زمانی، و... ابداع شدند. در حوزه اموال و مالکیت شکل های نوینی از مال، مانند اموال فکری، سهام و... شکل گرفتند؛ شرکت های بزرگ تجاری ایجاد شدند و مطالبات کارگری و مصرف کنندگان کالا و خدمات، شاخه های جدیدی از حقوق با نام حقوق کار، حقوق مصرف و... را ایجاد کرد.

۳. اما تأثیر این تحولات بر حقوق مسئولیت مدنی به ویژه از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به عنوان بخشی از حقوق تعهدات که شاخه ای از حقوق مدنی، بلکه ستون فقرات آن است، چشم گیر بوده است. از یک سو، استفاده از فناوری و به کار گیری ابزار و ماشین آلات صنعتی در کارگاه ها و کارخانه ها سبب افزایش حوادث زیان بار و مرگبار برای بشر گردید؛ همچنین استفاده از قطار، اتومبیل و هواپیما در حمل و نقل سبب ایجاد تصادفات و حوادث زیان بار شد؛ از سوی دیگر با اعمال قواعد مسئولیت مدنی مقرر در قانون مدنی که مبتنی بر مسئولیت شخصی و نظریه تقصیر بود، اثبات شرایط دعوی مسئولیت مدنی دشوار و گاه غیر ممکن بود و جبران خسارت صورت نمی گرفت. زیرا در اکثر موارد یا اصلاً شخص مرتکب تقصیر نشده بود یا اگر تقصیری مرتکب شده بود قابل اثبات نبود. همچنین در حوادث کار، رانندگی، پزشکی و... گاه حوادث آن چنان پیچیده بود که اثبات رابطه سببیت و تعیین عامل زیان بسیار مشکل بود. بر این اساس در اکثر موارد زیان دیده قادر به اثبات رابطه سببیت بین زیان ایجاد شده با فعل عامل زیان یا تقصیر او نبود و در نتیجه

زیان او بدون جبران باقی می ماند (Viney, 1996: p 21). این وضعیت چونان نا عادلانه به نظر می رسد که ستایش گران بی قید و شرط قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه که مبنای مسئولیت را بر تقصیر نهاده بود، نمی توانستند آن را نادیده بگیرند و بر عدم کارایی آن اذعان می کردند. بر این اساس رویه قضائی، دکترین و البته با کمی تأخیر قانون گذار هم خود را بر آن قرار دادند که وضعیت موجود را اصلاح کنند و تمهیدی بیندیشند که زیان های وارد بر اشخاص و یا دست کم زیان های جسمانی ناشی از آن حوادث که ارمغان رشد فناوری و صنعت بود، جبران شود؛ بدینسان مسئولیت مدنی نقش یک ستاره بزرگ حقوق مدنی را بر عهده گرفت که تا کنون چنین نقشی نداشته است (Viney, ibid: p21).

۴. مسئولیت مدنی در آستانه تحول ناشی از انقلاب صنعتی و رشد فناوری نوعاً بر محور مسئولیت شخصی قرار داشت و دارای سه ویژگی بود: نخست، آن که مبتنی بر تقصیر بود؛ یعنی برای این که شخص نسبت به زیان وارد بر غیر مسئول شناخته شود باید تقصیر وی ثابت می شد. به اعتقاد نویسندگان حقوق غربی ورود نظریه تقصیر به مسئولیت مدنی در نظام های حقوقی غربی حاصل نزدیکی حقوق و اخلاق در حوزه مسئولیت مدنی بوده است (Viney, ibid: p20)^۱؛ زیرا مسئول شناختن کسی که مرتکب تقصیر شده است، با اخلاق نیز سازگار است. دوم، در حوزه رابطه ی سببیت نظریه سبب متعارف حاکم بود که بر مبنای تمیز سبب از شرط مطرح شده بود. سوم، آن که اصل شخصی بودن مسئولیت حاکم بود؛ یعنی مسئولیت مدنی همانند مسئولیت کیفری شخصی بود و مسئولیت ناشی از فعل غیر و فعل شی وجود نداشت.

۵. اما شرایط اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و رشد فناوری به گونه ای بود که قواعد مسئولیت مدنی پاسخ گوی حوادث زیان بار نبود به گونه ای که بحران مسئولیت ایجاد

^۱ وی در این خصوص اظهار داشته: «بی تردید هدف نویسندگان قانون مدنی ۱۸۰۴ آن بوده که به مسئولیت رنگ اخلاقی بدهند».

شده بود و این وضع منحصر به حقوق فرانسه نبود، بلکه در نظام های حقوقی سایر کشورهای صنعتی نشانه های آن قابل مشاهده بود (Viney ibid :p23). بر این اساس تحول مسئولیت مدنی اجتناب ناپذیر بود. این تحول در جهت تسهیل جبران هر چه بیشتر زیان صورت گرفت. در حالی که در قرن هجدهم اخلاق حکم می کرد که کسی که مرتکب تقصیر نشده مسئول نباشد، در قرن بیستم چهره اخلاق تغییر کرده و اگر زبانی (به ویژه زیان های جسمانی) بدون جبران باقی می ماند غیر اخلاقی می نمود. در واقع مسئولیت مدنی نگاه خود را از سمت شخص مسئول به سمت زیان دیده متمرکز کرد. تا آن زمان رسالت قواعد مسئولیت مدنی تعیین و شناسایی شخص مسئول بود، اما زمانه تغییر کرده و باید تمهیدی اندیشیده می شد که صرف نظر از این که شخص مسئول وجود داشته باشد، زبانی بدون جبران باقی نماند؛ قربانی زیان، طلبکار بود و باید طلب او پرداخت می شد، خواه توسط مدیون و مسئول (= عامل زیان) یا توسط جامعه و نظام حقوقی یا به تعبیر حقوق داخلی، بیت المال. این اندیشه مبنای تحول مسئولیت مدنی بود.

۶. تحولات مسئولیت مدنی در چند مرحله صورت گرفت؛ نخست، رویه قضائی با مساعدت دکترین با استفاده از ابزارهایی که در اختیار داشت در جهت جبران خسارت زیان دیده راه حل هایی را پیشنهاد داد که بسیاری از حوادث زیان بار قابل جبران بودند. این راه حل ها از یک سو در جهت تعدیل شرایط ایجاد مسئولیت مدنی (=تقصیر، ضرر و رابطه سببیت) و از سوی دیگر در راستای تسهیل اثبات آن ها بود. تحول به سمت مفهوم نوعی تقصیر، و تعمیم آن به هر نوع بی مهارتی، ایجاد اماره تقصیر و تعدیل در مفهوم رابطه سببیت و ایجاد فرض مسئولیت و پیش بینی تعهد ایمنی از جمله آنها بود. در مرحله بعد مسئولیت مدنی در جهت عدول از مسئولیت شخصی و پذیرش مسئولیت ناشی از فعل شئی و فعل غیر پیش رفت؛ همچنین موارد مسئولیت بدون تقصیر توسعه پیدا کرد. و بالاخره در مرحله دیگر نظام های جبران خسارت ایجاد شدند. به گونه ای که بدون تحقق مسئولیت یا تعیین

فرد مسئول، زیان ایجاد شده از طریق نظام خاص جبران خسارت، جبران می شد. در این مقاله این تحولات را بررسی می کنیم.

۱. تعدیل در شرایط مسئولیت مدنی از طریق تغییر در مفهوم ارکان مسئولیت مدنی و تسهیل در اثبات آن

نخستین گام از تحول در مسئولیت مدنی که توسط رویه قضائی بر داشته شد، تعدیل شرایط مسئولیت مدنی بود. این موارد را با توجه به ارکان مسئولیت مدنی؛ یعنی تقصیر (فعل زیان بار)، رابطه سببیت و ضرر جداگانه بررسی می کنیم.

۱/۱. تقصیر

۱/۱/۱- پذیرش معیار نوعی تقصیر به جای معیار شخصی

تقصیر از قرن ۱۸ وارد مسئولیت مدنی شد و با تصویب قانون مدنی فرانسه در قالب ماده ۱۳۸۲ به عنوان مبنای مسئولیت مدنی بیان شد و از آن جا وارد قوانین مدنی سایر کشورها شد. به گفته نویسندگان حقوقی ورود «تقصیر» به مسئولیت مدنی حاصل نزدیکی حقوق به اخلاق و مسئولیت مدنی به مسئولیت اخلاقی بوده است (Viney, ibid: p18). اگر چه مسئولیت مدنی از مسئولیت کیفری جدا بود ولی مسئولیت مدنی هم ضمانت اجرای یک عمل نامشروع (فعل زیان بار) و از نظر اخلاقی قابل سرزنش بود. براین اساس تقصیر مبنای مسئولیت مدنی قرار گرفت و معیار ارزیابی تقصیر هم شخصی بود؛ یعنی تقصیر شخص با توجه به اوضاع و احوال شخصی او ارزیابی می شد. دیوان کشور فرانسه در سال ۱۸۶۶ در رأی مشهوری این گونه اظهار نظر کرده بود که، چون اشخاص فاقد اهلیت (صغیر و مجنون) نمی توانند مرتکب تقصیر شوند، در صورتی که به دیگری زیانی بزنند ضامن نیستند (Viney, ibid: p33).

اما با گذشت زمان و شروع تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، اصل شخصی بودن معیار تمیز تقصیر به کنار نهاده شد و دیوان عالی کشور فرانسه در آرای متعددی به طور رسمی اظهار داشت که حتی «صغیر غیر ممیز» هم ممکن است تقصیر مرتکب شود و عدم تمیز، مانع ایجاد مسئولیت مدنی نیست، حتی در مسئولیت های مبتنی بر تقصیر (Viney, ibid: p33). بر این اساس معیار شخصی تقصیر به معیار نوعی تغییر کرد و پذیرفته شد که تقصیر بر مبنای مقایسه رفتار شخص با رفتار یک فرد متعارف و بدون توجه به ویژگی های شخصی او ارزیابی و اثبات گردد. این تحول منحصر به حقوق فرانسه نبود و در نظام حقوقی تمام کشورهای صنعتی ایجاد شده بود (Viney, ibid: p33).

۲/۱/۱. توسعه مفهوم تقصیر

در گامی دیگر در برخی از موضوعات از جمله حوادث پزشکی مفهوم تقصیر توسعه پیدا کرد به گونه ای که هر نوع «بی مهارتی» را تقصیر تلقی کردند. از لحاظ نظری بین مفهوم «تقصیر» و «بی مهارتی» تفاوت وجود دارد و نمی توان نفس عدم مهارت را تقصیر تلقی کرد. ممکن است این نوع اشتباهات از هر فردی سرزند. اما رویه قضائی فرانسه در جهت جبران هرچه بیشتر حوادث پزشکی ارتکاب هر نوع بی مهارتی از سوی پزشک در جریان عمل پزشکی را تقصیر تلقی کرد و در صورتی که از آن ناحیه به بیمار زبانی می رسید پزشک یا مؤسسه درمانی را مسئول می شناخت (Viney, 2000: p2285). در حقوق فرانسه دیوان کشور در رأیی که در ۳۰ اکتبر ۱۹۶۳ صادر کرد، رأی دادگاه استیناف را که مقرر داشته بود به کارشناس ارجاع شود تا ثابت شود که بی مهارتی صورت گرفته از سوی پزشک تقصیر است یا خیر، نقض کرد و مقرر داشت که ارتکاب هر نوع بی مهارتی از سوی پزشک تقصیر بوده و موجب مسئولیت است (Sargos, 2000: p191). این رویه بعداً از سوی دیوان عالی کشور بارها مورد تأیید قرار گرفته است. در نظام کامن لا نیز از برخی متون استنباط می گردد که در جهت جبران خسارت بیمار عدم مهارت و بی تجربگی پزشک موجب مسئولیت پزشک

دانسته شده است (Jones, 2003: p241). در پرونده ای، دیوان عالی کشور فرانسه پزشک متخصص بی هوشی را که به دلیل خوراندن بیش از اندازه داروی بی هوشی به بیمار سبب مرگ او شده بود، مسئول شناخته بود و در توجیه آن گفته شده بود که بیمار حق دارد دقت و مهارتی را که از یک پزشک ماهر و با تجربه انتظار می رود، توقع داشته باشد. بنابر این اگر پزشک در عمل، دقت و مهارت کافی نداشته است مسئول زیان وارد بر بیمار است (Jones, 2003: p241).

در حقوق ایران در حالی که در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، عدم مهارت تقصیر تلقی نشده بود، تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عدم مهارت را تقصیر دانسته است. این حکم قبلاً در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات سال ۷۰ هم با تغییر جزئی آمده بود.

۱/۱/۳. ایجاد اماره تقصیر

یکی از روش هایی که رویه قضائی برای تسهیل اثبات شرایط مسئولیت مدنی از سوی زیان دیده از آن بهره برده است، استفاده از نهاد «اماره تقصیر»^۱ است. به این معنا که تقصیر عامل زیان را مفروض انگاشته و او را ملزم می کند که با اثبات عدم تقصیر، خود را از مسئولیت بری کند. به عنوان مثال در حقوق فرانسه که مسئولیت پزشکی مبتنی بر تقصیر است، رویه قضائی در مورد زیان های ناشی از آلودگی های بیمارستانی ابتدا در سال ۱۹۹۶ طی رأیی مقرر داشت که هرگاه بیماری در زمان بستری در مراکز درمانی به آلودگی یا بیماری جدیدی مبتلا شود مرکز درمانی یا پزشک معالج مسئول بود مگر آن که ثابت می کرد که در راستای مراقبت از بیمار و ضد عفونی کردن محیط بیمارستان تقصیری مرتکب نشده است (Sargos, 1999: p1471). بعدها این دیدگاه در آرای دیگر دیوان تأیید و به رویه تبدیل شد.

^۱. Pré sump tion de faute.

در حقوق ایران نیز در بند ۲ ماده ۱۱۳ قانونی ایران مصوب ۱۳۴۳، اماره تقصیر متصدی حمل در مورد زیان وارد بر مسافر یا محموله در اثر به گل نشستن یا تصادم کشتی ایجاد شده است. این ماده مقرر داشته است: «۲. در صورتی که فوت یا صدمات بدنی ناشی از تصادم یا به گل نشستن یا انفجار یا حریق و یا غرق شدن کشتی باشد، فرض این است که حادثه بر اثر تقصیر و یا غفلت متصدی حمل یا مدموران مجاز او اتفاق افتاده است، مگر آن که خلاف آن اثبات گردد». بند ۳ این ماده مقرر داشته که به جز موارد بند ۲ اثبات تقصیر بر عهده مدعی است.

۱/۱/۴. توسعه مسئولیت های بدون تقصیر

یکی دیگر از آثار رشد فناوری و صنعت در جهان پذیرش نظریه خطر در مسئولیت مدنی به جای نظریه تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۱۸۹). در حالی که تا قرن بیستم تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت اقتدار خود را در مسئولیت مدنی حفظ کرده بود، در قرن بیستم جذابیت خود را ازدست داد و به مرور مسئولیت های بدون تقصیر پذیرفته شد. نمونه آن در مورد حوادث کار، رانندگی، حمل و نقل یا مسئولیت ناشی از عیب تولید است که مسئولیت غیر تقصیری پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۱۷۶ به بعد). چنانکه ژوسران یکی از حقوق دانان بر جسته ی فرانسه گفته است، نظریه تقصیر متناسب با وضع اجتماعی سده نوزدهم بوده که در آن نظریه اصالت فرد حاکم بوده است، ولی امروزه (قرن بیستم) که روابط اجتماعی گسترش یافته و خطرهای گوناگون زندگی بشر را تهدید می کند با شیوه های فرد گرایانه نمی توان مسایل مربوط به مسئولیت مدنی را حل کرد و باید نظریه تقصیر جای خود را به نظریه ایجاد خطر بدهد (کاتوزیان، همان: ص ۱۸۰). بدینسان در قرن بیستم تحول از مسئولیت تقصیری به سمت مسئولیت غیر تقصیری شروع و هنوز هم ادامه دارد (کاتوزیان، همان: ص ۱۸۹).

۲/۱. رابطه سببیت

یکی از ارکان مسئولیت مدنی، رابطه سببیت است که صرف نظر از مبنای مسئولیت در تمام انواع مسئولیت مدنی باید وجود داشته باشد. اثبات رابطه سببیت که بر عهده زیان دیده است یکی از دشواری های دعوای مسئولیت مدنی است. به گونه ای که اسمن از حقوقدان شهیر فرانسوی آن را معمای حقوق مسئولیت مدنی دانسته است (Durry, 1977:p326). بعد از توسعه صنعتی و فناوری وقوع زیان در اثر حوادث فنی، کار، و نیز حوادث رانندگی افزایش پیدا کرده و گاه حوادث به گونه ای است که چندین عامل در ظاهر در وقع حادثه و ایجاد ضرر دخالت دارند و تعیین رابطه سببیت و تشخیص «سبب» از «شرط» به مراتب مشکل می شود. به این دلیل رویه قضائی مداخله کرده و با تعدیل در مفهوم رابطه سببیت و در برخی موارد مفروض انگاشتن آن، اثبات آن را تسهیل کرده است.

۲/۱/۱. بازگشت به نظریه برابری اسباب و شرایط

در فرضی که چند عامل ظاهری در وقوع زیان دخالت دارند تعیین سبب اصلی، از مسائل مشکل و دقیق دعوای مسئولیت مدنی است. در این خصوص برای تمیز رابطه سببیت از شرط، در طی سال های متمادی معیارهای مختلفی در قوانین موضوعه، رویه قضائی و دکتترین ارائه شده که نظریه «برابری اسباب و شرایط»، «سبب مقدم در تأثیر»، «سبب نزدیک یا آخرین سبب» و «سبب متعارف» از جمله آنهاست. اما مدت هاست که نظریه برابری اسباب و شرایط به کنار نهاده شده و نظریه «سبب متعارف» مورد توجه قرار گرفته است و عده ی زیادی به لحاظ علمی آن را بهترین روش برای تعیین سبب اصلی دانسته اند. (Terre, et al: 2019, n^o1091, p1164; Mazeaud, 1970, T.II, n^o1442-2, p 534) اما رویه قضائی در قرن بیستم در جهت هرچه بیشتر جبران شدن خسارت زیان دیده به نظریه «برابری اسباب و شرایط» بازگشته است. زیرا این امر به قربانی این اجازه را می دهد که به مسئولان بالقوه متعددی دسترسی داشته باشد. در رأیی که دیوان عالی کشور کشور در ۲۰۰۱

صادر کرده است، عامل حادثه رانندگی را نیز مسئول جبران خسارت ناشی از حادثه درمانی دانسته است. در این پرونده شخصی در اثر حادثه رانندگی مجروح شده، به بیمارستان منتقل می‌گردد و در اثر شدت جراحت تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد. او نیاز به خون پیدا کرده و به او خون تزریق می‌شود. به دنبال تزریق خون، به ویروس هپاتیت c مبتلا می‌شود. او برای جبران خسارت علیه مرکز انتقال خون که خون تزریقی را ارائه کرده بود اقامه ی دعوی می‌کند. مرکز انتقال خون نیز عامل حادثه رانندگی را به دادرسی جلب می‌کند. دادگاه بدوی بر مبنای سبب متعارف تنها مرکز انتقال خون را سبب و مسئول حادثه اعلام کرده بود. اما دیوان عالی کشور رأی بدوی را نقض و مقرر داشت: «حادثه رانندگی سبب مجروحیت قربانی شده و در نتیجه آن عمل جراحی ضرورت پیدا کرده و به او خون تزریق شده و بر اثر آن به هپاتیت مبتلا شده است» (Gout, 2002: p2286). بدینسان دیوان عالی کشور بر مبنای نظریه برابری اسباب و شرایط راننده را در کنار مرکز انتقال خون مسئول زیان اعلام کرده است. قبلاً هم بر همین مبنای دیوان در آرای مختلف از نظریه برابری اسباب و شرایط پیروی کرده است.

نظریه سبب متعارف به لحاظ علمی و منطقی قابل دفاع تر است، اما نظریه برابری اسباب و شرایط مبتنی بر مصالح است و موجبات جبران خسارت را بیشتر فراهم می‌کند. مفسران و حقوق دانان فرانسوی در تفسیر این رأی گفته اند که این نوع آرا گام تکمیلی در راستای مصلحت گرایی است که اکثر قضات شروع کرده اند (Gout, ibid: p2286).

۲/۱/۲. نظریه از دست دادن فرصت^۱

یکی از روش هایی که رویه قضائی در قرن بیستم در راستای تعدیل رابطه سببیت به منظور جبران هر چه بیشتر زیان قربانی از آن بهره برده است، استفاده از «نظریه از دست دادن

^۱. Perte de chace/ Loss of chance.

فرصت» است.^۱ این نظریه به منظور حل مشکل رابطه سببیت بین تقصیر خواننده و زیان وارد بر قربانی ارائه شده است. به عنوان مثال در مواردی که پزشک در نتیجه تقصیر، نوع بیماری شخص را به موقع تشخیص نمی دهد و در اثر آن فرصت معالجه بیماری از بین می رود و بیمار فوت می کند یا متحمل زیان جسمانی می شود، هرچند پزشک مرتکب تقصیر شده و به بیمار هم زیان وارد شده است ولی بین آن دو رابطه سببیت مسلم وجود ندارد. زیرا نمی توان به طور قاطع گفت که اگر پزشک مرتکب تقصیر نمی شدو بیماری او را به موقع تشخیص داده بود و معالجه می کرد بیماری درمان می شد و چنین زیانی واقع نمی شد. در این فرض رویه قضائی با استفاده از نظریه «ازدست دادن فرصت» دست کم بخشی از زیان وارد بر بیمار را جبران کرده است. به این بیان که پزشک با تقصیر خود فرصت انجام معالجه را (صرف نظر از ثمر بخش بودن یا نبودن آن) از میان برده است و نفس این فرصت دارای ارزش و فایده بوده و از بین رفتن آن ضرر مسلم است و باید جبران شود (Sargos, 1997: p436)^۲

۳/۱/۲. نظریه سبر و تقسیم^۳

یکی از روش هایی که رویه قضائی فرانسه به ویژه برای جبران زیان های ناشی از آلودگی های خونی از آن بهره جسته است استفاده از روش اثباتی «نفی سایر اسباب» بوده است.^۴ این روش در جایی به کار می رود که به دشواری می توان علت و سبب اصلی یک زیان را ثابت کرد. به عنوان مثال به شخصی خون تزریق شده و سپس به بیماری ایدز یا هیپاتیت مبتلی شده، اما نمی توان به طور قاطع ثابت کرد که منشأ ابتلای وی به بیماری

۱. برای مطالعه بیشتر راجع به مبنا و رژیم حقوقی این نظریه رش: م کاظمی، ۱۳۸۰، صص ۲۲۸-۱۸۵.

۲. رش: به منبع پیشین.

۳. Prove par exclusion.

۴. برای مطالعه بیشتر راجع به مبنا و رژیم حقوقی این نظریه رش: کاظمی، ۱۳۸۶، صص ۲۴۰-۲۰۷.

همان خون بوده است؛ به عبارت دیگر ثابت کرد که خون تزریقی آلوده به ویروس بوده است؛ زیرا نمونه ای از خون تزریق شده وجود ندارد تا با آزمایش آن بتوان ثابت کرد خون آلوده بوده است. در این مورد با وجود دو شرط فرض می‌شود که خون تزریقی آلوده بوده و سبب ابتلای شخص به بیماری بوده است: ۱. ظهور علائم بیماری و کشف ابتلاء به آن بعد از تزریق خون بوده باشد؛ ۲. هیچ سبب یا عامل دیگری برای ابتلا به بیماری کشف نشده باشد. این روش سبب می‌شود که زیان وارد بر شخص مبتلا به دلیل عدم امکان اثبات رابطه سببیت بدون جبران باقی نماند. استفاده از این روش ابتدا در دادگاه های بدوی فرانسه در حد یک اماره قضائی متداول بود و بر مبنای ماده ۱۳۵۳ ق.م. از آن استفاده می کردند (Jourdain, 1992: p118). سپس دیوان عالی کشور فرانسه در سال ۲۰۰۱ با صدور رأیی یک نوع اماره حکمی تأسیس کرد که با وجود دو شرط دادگاه ها مکلفند رابطه سببیت بین انتقال خون و ابتلا به بیماری را ثابت بدانند (Sargos, 2001: p889).

استفاده از این طریق اثباتی در هر موردی که که اثبات مستقیم و مثبت رابطه سببیت به صورت قطعی غیر ممکن است در رویه قضائی فرانسه متداول است. این نوع استدلال رادر حقوق اسلام «برهان سبر و تقسیم» می نامند (کاظمی، ۱۳۸۶: ص ۲۰۷ به بعد).

۴/۱/۲. فرض مسئولیت

فرض مسئولیت به این معناست که در مواردی قانون گذار یا دادگاه وجود رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان بار (تقصیر کارانه یا غیر تقصیر کارانه) را مفروض می داند و بنابر این در صورت وقوع زیان فرض می‌شود که شخص مسئول است، مگر آن که ثابت کند مسئول نیست. اثبات عدم مسئولیت هم با اثبات قوه قاهره و نفی استناد زیان به اوست و الا به صرف اثبات عدم تقصیر او از مسئولیت بری نمی‌شود. به عنوان مثال در حقوق ایران در ماده ۳۸۶ قانون تجارت مقرر شده است که در صورت وقوع زیان به محموله متصدی حمل

مسئول است مگر آن که ثابت کند که زیان منتسب به وی نبوده است و صرف اثبات عدم تقصیر سبب رفع مسئولیت او نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۴:، ص ۴۴۵)

۳/۱. ضرر - تغییر مفهوم ضرر

۳/۱/۱. توسعه در قلمرو جبران ضرر های جسمانی

رشد صنعت و فناوری سبب شده است که محیط زندگی خطرناک شده و حوادث زیان بار افزایش یابد و این امر موجب افزایش زیان های جسمانی شده است. در نظام های حقوقی غربی تا یکی دو قرن قبل زیان های جسمانی جبران نمی شدند؛ زیرا اولاً، جسم و جان آدمی مال تلقی نمی شد تا زیان وارد بر آن با مال قابل جبران باشد؛ ثانیاً، امکان ارزیابی جسم انسان و تعیین میزان غرامت وجود نداشت. اما افزایش زیان های جسمانی و آثار مالی ناشی از آن سبب شد که زیان های جسمانی ابتدا از طریق آثار مالی و سپس آثار غیر مالی آن، قابل جبران دانسته شود. به این معنا که آثار مالی و غیر مالی که صدمات جسمانی بر شخص دارد جبران شود. زیان های مالی که به طور معمول در اثر صدمات جسمانی ممکن است، به دارایی یک شخص وارد شود عبارتند از:

الف- هزینه های درمان و معالجه؛ کسی که صدمه جسمانی به او وارد می شود، برای درمان عوارض و جراحات حاصله، یا جلوگیری از گسترش آن، ناچار از مراجعه به پزشک یا مرکز درمانی است. همچنین ممکن است شخص تا آخر عمر ناچار از مصرف دارو باشد. امروزه هزینه های درمان بسیار بالا است و سهم بسزایی در اقتصاد خانواده دارد.

ب- هزینه های معیشت و نگهداری شخص؛ ممکن است صدمه بدنی موجب زمین گیر شدن شخص یا معلولیت او شود و هزینه های زندگی و معیشت او افزایش پیدا کند. مثلاً شخص برای زندگی نیاز به کارگر یا پیش خدمت پیدا کند و بدون او قادر به زندگی نباشد، یا هزینه رفت و آمد او افزایش یابد.

ج- از کار افتادگی و محرومیت از کسب و شغل؛ شخص ممکن است در نتیجه صدمه بدنی، شغل و درآمد خود را از دست بدهد و از این بابت به او زیان وارد شود.

د- از دست دادن سرپرست و تأمین کننده نفقه زندگی؛ ممکن است در اثر نقص عضو یا صدمه بدنی، قادر به کار کردن و تأمین هزینه زندگی خود و عیالش نباشد.^۱

همچنین صدمات جسمانی آثار مهمی بر جسم و روان انسان بر جا می گذارد، که با زیان های مالی قابل مقایسه نیست. جنبه های غیر مالی (معنوی) صدمات جسمانی عبارتند از:

الف- نقص خلقت - نقص فیزیولوژیکی یا بیولوژیکی^۲؛ صدمات جسمانی، موجب نقص عضو و خلقت انسان می گردد و از حیات او می کاهد.

ب- درد و رنج؛ بر اثر صدمات جسمانی و ابتلا به بیماری، انسان درد و رنج های زیادی متحمل می شود. در نظام های حقوقی جدید دنیا این نوع زیان ها نیز قابل جبران دانسته شده است. در برخی کشورها، نظیر هلند و ژاپن، مبلغ معینی برای جبران «درد و رنج های جسمی و روحی» معین کرده اند؛^۳ درد و رنج ممکن است، روحی یا جسمی باشد: ۱- درد و رنج جسمی (فیزیکی)^۴ که در اثر صدمه جسمانی یا ضربه به جسم و یا ابتلاء به بیماری، بر انسان عارض می گردد، جزء نخستین زیان های غیر مالی (معنوی) است که در نظام های حقوقی دنیا قابل جبران دانسته شده است.^۵ ۲- درد و رنج های روحی (تألمات روحی)^۶؛ ممکن است عضوی از بدن انسان درد نداشته باشد، ولی روح و روان انسان

¹ Lambert-FAIVRE, Driot du dommage coporel, 3^{er} ed., Daloz, 1996, Paris, n° 99, p.169 et s.

² - Prejudice physiologique/biologique

³ - Ibid, n° 263, p.39.

⁴ - Souffrance physique

⁵ - Ibid., n° 264, p. 39.

⁶ - Souffrance morale

ناراحت و رنجور باشد. درد و رنج روحی ممکن است ناشی از آن باشد که نقص عضو موجب از بین رفتن زیبایی شخص شده، و چهره و ظاهر او را کریه کرده باشد.^۱ بنابر این صدمات بدنی صرف نظر از اینکه در کارایی و فعالیت اقتصادی شخص مؤثر باشد یا خیر، ممکن است موجب لطمه به زیبایی او گردد.^۲

ج- زیان های عاطفی؛^۳ از دست رفتن پدر و مادری دلسوز، یا همسری مهربان و یا فرزندی دلبنده، لطمه شدیدی به عواطف و روح و روان شخص وارد می کند^۴ در نظام های حقوقی غربی در قرن بیستم این نوع زیان های عاطفی قابل جبران دانسته شده است، هر چند در گذشته در خصوص جبران آنها تردید وجود داشت. ؛ تردید از آن جهت بود که می گفتند نباید عواطف و محبت که نظیر کالا و مال نیستند مورد ارزیابی و قیمت گذاری قرار گیرند. جبران این نوع زیان ها از آثار تحول نظام مسئولیت مدنی در کشورهای غربی است که در گذشته قابل جبران نبودند. به مرور قلمرو این نوع زیان ها ی قابل جبران توسعه یافته است.^۵

خاطر نشان می سازد که در حقوق اسلام از همان ابتدای تاریخ فقه زیان های جسمانی در قالب دیه جبران می شده است. البته در خصوص ماهیت دیه و این که شامل تمام زیان های مالی و غیر مالی ناشی از لطمات جسمانی می شود و آیا علاوه بر دیه خسارت دیگری

^۱ - Prejudice esthetique.

^۲ - G. VINEY, op.cit, n° 265, p.40.

^۳ - Prejudice d' affection

^۴ - G. VINEY, op. cit., n° 266, p. 47, et s.

^۵ . برای مطالعه بیشتر در این خصوص رش: محمود کاظمی، « شیوه جبران زیان های جسمانی در حقوق اسلام و نظام های حقوقی جدید ؛ امکان مطالبه خسارت علاوه بر دیه»، مندرج در: حقوق، جان مایه بقای اجتماع، گفتارهای حقوقی در نکوداشت استاد سید عزت الله عراقی، به کوشش: امیرحسین رنجبریان، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۶۷۶-۶۳۶.

قابل مطالبه است در فقه و حقوق موضوعه ایران اختلاف نظر است.^۱

۳/۲/۲. ضرر اقتصادی

از دیگر آثاری رشد فناوری بر ضرر های قابل جبران در زمینه ضررهای مالی « ضررهای اقتصادی» است. به زعم نویسندگان حقوقی ارائه تعریف دقیقی از ضرر اقتصادی مشکل است (امینی، ۱۳۹۸: ص ۱۷۲). ضرر اقتصادی ضرری است که به دارایی شخص وارد می شود بدون این که مالی از وی تلف گردد یا زیان بدنی به وی وارد شود. به عبارت دیگر هر نوع افزایش دارایی منفی یا ممانعت از افزایش دارایی مثبت، بدون این که در اثر تلف مال یا ضرر جسمانی باشد ضرر اقتصادی نامیده شده است (بادینی، ۱۳۹۰: ص ۶۰، ۶۱؛ امینی، ۱۳۹۸: ص ۱۷۲، ۱۷۳). مطالعه تفصیلی راجع به ضرر اقتصادی و مقایسه آن با مفاهیمی چون عدم النفع مجالی دیگر می طلبد (رش: موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۴۱ به بعد).

۴/۱. فعل زیان بار - عدول از اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی

چنانکه قبلاً گفته شد تا قرن ۱۹ مسئولیت مدنی جنبه شخصی داشت که بر پایه فعل شخص مسئول قرار داشت و قلمرو مسئولیت مدنی محدود به مسئولیت شخصی بود. اما از قرن ۱۹ و در راستای جبران بیشتر زیان از اصل مسئولیت شخصی انحراف ایجاد شد و مسئولیت ناشی از فعل غیر و نیز مسئولیت ناشی از فعل شیء هم پذیرفته شد.

۴/۱/۱. پذیرش مسئولیت ناشی از فعل غیر

مسئولیت ناشی از فعل غیر یعنی شخص مسئول زبانی باشد که در اثر فعل غیر به زیان دیده وارد شده است. براین اساس چون فعل زیان بار را خود شخص مسئول مرتکب نشده است لازم نیست رابطه سببیت بین زیان و فعل شخص مسئول وجود داشته باشد، بلکه باید

^۱. رش: به منبع پیشین.

رابطه سببیت بین زیان ایجاد شده و فعل عامل زیان احراز گردد. به عنوان مثال کار فرما مسئول زیانی است که در اثر فعل کارگر او در حین کار به شخص ثالث وارد می‌شود (Lambert-Faivre, 1987: p5-6) (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ایران). در این جا لازم نیست بین فعل کار فرما و زیان ایجاد شده هم رابطه سببیت برقرار باشد. نکته در خور تأمل آن است که اولاً، مسئولیت کار فرما مانع مسئولیت شخص کارگر نیست؛ بنابر این زیان دیده حق دارد مستقیماً به عامل زیان رجوع نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۴۴۲)؛ ثانیاً، در صورتی که کار فرما جبران خسارت نماید حق دارد به عامل زیان؛ یعنی کارگر مراجعه نماید و در صورتی که کارگر جبران خسارت نماید حق رجوع به کار فرما را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۴۴۰)؛ ثالثاً، مسئولیت کار فرما مبتنی بر تقصیر یا فرض تقصیر نیست و اثبات بی تقصیری او موجب معافیت او از مسئولیت نمی‌شود.

مسئولیت کار فرما بر مبنای فعل شخصی یا تقصیر شخصی نیست بلکه بر مبنای دیگری توجیه می‌گردد. چون کار فرما از فعل کارگر بهره‌مند می‌گردد و بر او کنترل دارد باید خطرات ناشی از فعالیت او را نیز تحمل نماید.

مسئولیت والدین و سرپرست صغار و محجوران نسبت به زیان‌هایی که در اثر فعل آنان به اشخاص ثالث وارد می‌شود نیز از این مورد است (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی). البته مسئولیت والدین شامل تمام خسارتی می‌شود که صغیر به غیر وارد می‌کند. مسئولیت والدین و سرپرستان مبتنی بر تقصیر در تربیت و آموزش و مراقبت از کودک است؛ البته خلاف آن قابل اثبات نیست (Lambert-Faivre, ibid: p6). بنابراین یک نوع فرض قانونی است که از سوی قانون‌گذار ایجاد شده و خلاف آن قابل اثبات نمی‌باشد.

در خصوص این که در نظام حقوقی ما مسئولیت اولیاء صغار و مجانین واقعاً از نوع مسئولیت ناشی از فعل غیر است یا نوعی مسئولیت شخصی است، تردید جدی وجود دارد. از آن جا که قانون‌گذار از شرایط این نوع مسئولیت را تقصیر اولیاء و سرپرست دانسته

است (ماده ۷ ق.م.م.) برخی از مفسران به رغم طرح این نوع مسئولیت، در مقام توجیه آن، اظهار نظر کرده اند که: «در نظر عرف رابطه علیت بین خطای سرپرست مجنون و صغیر با زیان قوی تر از اقدام آنها است و دیدیم که در چنین مواردی باید مسبب را مسئول شناخت» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۴۵۳). این بدان معناست که مسئولیت شخصی است نه ناشی از فعل غیر.

به هر حال پیش بینی مسئولیت ناشی از فعل غیر سبب می شود که در برابر زیان دیده بیش از یک نفر مسئول جبران خسارت باشند و این امر شانس جبران خسارت را افزایش می دهد (کاتوزیان، همان: ص ۴۳۲).

۴/۲/۱. مسئولیت ناشی از فعل شیء - مسئولیت ناشی از عیب تولید

رشد فناوری و صنعتی شدن جامعه در نیمه دوم قرن نوزدهم و افزایش حوادث ناشی از اشیاء خطرناک، سبب شد که مسئولیت مدنی از قلمرو محدود مسئولیت ناشی از فعل شخصی مبتنی بر تقصیر و از برخی موارد خاص مسئولیت ناشی از اشیاء که در قانون مدنی مقرر شده بود فراتر رود (جوردن، ۱۳۸۵: ص ۱۲۵). رویه قضائی فرانسه در سال ۱۹۹۱ از بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه تفسیر وسیعی ارائه کرد که به موجب آن مسئولیت ناشی از فعل اشیای بی جان در قلمرو عام مسئولیت مدنی قرار گرفت و با صدور رأیی در سال ۱۹۹۵ قلمرو این بند به مسئولیت های قراردادی هم افزایش پیدا کرد (جوردن، همان: ۱۲۵).

چون اشیای بی جان هم موضوع این نوع مسئولیت است منظور از فعل شیء آنست که شیء حالت کنش گر و فاعلی داشته باشد و سبب پدید آوردن خسارت تلقی شود به این دلیل از وجود فعل مثبت شیء صحبت شده است؛ منظور آن است که عرفاً بتوان بین شیء و زیان ایجاد شده رابطه سببیت بر قرار کرد. بدین منظور رویه قضائی فرانسه به این سمت رفته که وجود شیء در پیدایش زیان شرط لازم باشد به گونه که اگر نبود زیان هم به بار نمی

آمد؛ به علاوه زیان دیده باید ثابت کند که شیء نقش فاعلی ایفا کرده و سبب متناسب زیان بوده است. بدین منظور اگر شیء در حال جنبش بوده به محل زیان (به عنوان مثال تن زیان دیده) بر خورد کرده باشد قطعاً نقش فاعلی شیء ثابت شده تلقی شده، اما اگر شیء ثابت یا ساکن باشد باید کارکرد غیر عادی داشته باشد تا به عنوان فعل مثبت تلقی شود که احیاناً شامل عیب موجود در شیء هم می‌شود؛ مانند لغزندگی زمین یا کمبود نور یا عدم نصب حفاظ یا نرده برای پله (جوردن، همان: ص ۱۳۰).

ناگفته نماند که برای این که مسئولیت ناشی از فعل شیء صدق کند نباید زیان ایجاد شده به فعل شخص مستند باشد بلکه با همان معیاری که گفته شد باید به فعل شیء مستند شود. در این فرض شخص صرفاً به اعتبار آن که نگهدارنده آن است مسئول جبران زیان شناخته می‌شود؛ یعنی شخص مسئول زیان های وارده توسط اشیائی است که نگهداریشان را بر عهده دارد. منظور از نگهداری، مفهوم مادی آن نیست، بلکه به معنای تسلط و اختیار بر اشیاء است؛ یعنی شخص اختیار استفاده، اداره و کنترل شیء را داشته باشد. بنابر این اگر شیئی سرقت شود، و در اثر آن به کسی زیان وارد شود، مالک ضامن نیست بلکه سارق ضامن است (جوردن، همان: ۱۳۰).

اما کارگری شیئی را به دستور کار فرما نگهداری کند، در صورتی که از آن زبانی به غیر برسد کار فرما ضامن است نه کارگر (جوردن، همان: ۱۳۱). اگر در خصوص این که نگهدارنده شیء در زمان وقوع زیان چه شخصی بوده است، تردید شود فرض می‌شود که مالک، نگهدارنده آن است مادام که خلاف آن ثابت شود.

در نظام حقوقی ما در خصوص وجود مسئولیت ناشی از فعل شیء به معنای خاص و آن گونه که در حقوق غرب هست تردید جدی وجود دارد. تنها موردی که مسئولیت ناشی از فعل غیر وجود داشت مسئولیت دارنده وسیله نقلیه موتوری بود که با اصلاح قانون بیمه اجباری در سال ۱۳۹۵ آن مورد هم حذف گردید (رش: ماده ۱ قانون بیمه اجباری سال ۱۳۹۵).

بنابر باید نظری را تأیید کرد که منکر وجود این نوع مسئولیت در نظام حقوقی ماست (صفایی و رحیمی: ۱۳۹۷ ص ۱۴۴). بررسی تفصیلی این موضوع مجالی دیگر می‌طلبد.

۲. ایجاد نظام خاص جبران خسارت

تحوالات مسئولیت مدنی در جهت تسهیل هر چه بیشتر جبران خسارت، که از مسئولیت تقصیری به سمت توسعه مسئولیت مدنی و پذیرش مسئولیت‌های محض و غیر تقصیری شروع شده بود، در طی قرن بیستم ادامه پیدا کرد تا این که در اواسط این قرن، ایده «نظام جبران خسارت»، مطرح شد. به گونه ای که قرن بیستم را قرن «ایدئو لوژی جبران خسارت» نامیده اند (Gout, 2002, p2287).

منظور از «نظام جبران خسارت» آن است که باید نظامی ایجاد شود که بدون نیاز به تعیین شخص مسئول، زیان وارد بر قربانی از محل خاص جبران شود. در واقع این ایده بر اندیشه جدایی «جبران خسارت» از «مسئولیت» استوار بود. ایجاد نظام جبران خسارت از آن جا شکل گرفت که در جبران خسارت از طریق مسئولیت مدنی باید لاجرم یک شخص مسئول وجود داشته باشد که مدیون دین جبران خسارت است و به وسیله قواعد مسئولیت مدنی آن شخص معین می‌شود و چه بسا که چنین شخصی شناسایی نشده، یا اصلاً وجود نداشته باشد. بر این اساس، این اندیشه مطرح شد که نباید جبران خسارت وابسته به وجود شخص مسئول باشد، بلکه باتأکید بر این که قربانی طلبکار جبران خسارت است، باید طلب او از محلی پرداخت گردد. اگر به وسیله قواعد مسئولیت مدنی بتوانیم شخص مسئول و مدیون را شناسایی کنیم، بسیار مطلوب است، اما اگر چنین فردی قابل شناسایی نیست، باید تمهیدی اندیشید و نظامی ایجاد کرد تا در فرض وقوع زیان به طور خود کار و بدون نیاز به طرح دعوی مسئولیت مدنی، زیان وارده بر قربانی جبران شود.

۲/۱. مفهوم نظام جبران خسارت و تمیز آن از مسئولیت مدنی

نظام جبران خسارت، روشی است که زیان دیده بدون نیاز به طرح دعوی مسئولیت مدنی و طی مراحل سخت و طولانی آن و اثبات ارکان و شرایط مسئولیت مدنی، بتواند به صرف اثبات زیان و با یک درخواست آن را جبران کند. این نظام که بیشتر در مورد زیان های جسمانی مطرح شده مبتنی بر اندیشه جدایی «جبران خسارت» از «مسئولیت مدنی» است و این که هیچ قربانی نباید زیانش بدون جبران باقی بماند. در قرن بیستم که رشد صنعت و فناوری شتاب بیشتری گرفت و حوادث زیان بار افزایش بیشتری پیدا کرد، به دلیل پیچیدگی این حوادث امکان شناسایی و تعیین شخص مسئول بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی دشوار و گاه غیر ممکن بود، چون شخص مسئولی وجود نداشت؛ به علاوه راه حل های قضائی هم کار آیی کافی را نداشت، زیرا مراجعه به دادگاه و اقامه دعوی محدودیت و مشکلات خاص خود را داشت و این امر راه حل های قضائی را که مبتنی بر اقامه دعوی و اثبات مسئولیت بود بی تأثیر می کرد. بر این اساس اندیشه «نظام جبران خسارت» جدای از «مسئولیت مدنی» مطرح شد. به این دلیل قرن بیستم را «قرن اندیشه جبران خسارت» نام گذاری کرده اند (Gout, 2002, p2287) و تمام تحولات انجام شده در راستای تحقق این اندیشه واقع شده است.

«نظام جبران خسارت» از «مسئولیت مدنی» به معنای خاص جداست. مسئولیت مدنی از شاخه های حقوق تعهدات است؛ تعهداتی که بدون قرارداد ایجاد می شود. در هر تعهد دو شخص دخالت دارد؛ متعهد و متعهد له. در مسئولیت مدنی متعهدله همان زیان دیده است و متعهد عامل زیان است. تکیه و هدف مسئولیت مدنی بر شناسایی و تشخیص متعهد است که همان فرد مسئول یا شخصی است که مرتکب تقصیر شده یا ایجاد خطر کرده است. به عبارت دیگر در نظام مسئولیت مدنی نگاه به شخص مسئول است. با قواعد و ابزار مسئولیت مدنی ما به دنبال آن هستیم که شخص مسئول را به عنوان مدیون دین

جبران خسارت شناسایی و معین کنیم و نظریه تقصیر یا خطر و به طور کلی قواعد مسئولیت مدنی به ما کمک می کند که چگونه شخص مسئول را مشخص کنیم. به این دلیل در مسئولیت مدنی علاوه بر «ضرر» باید «فعل زیان بار» و «رابطه سببیت» به عنوان ارکان مسئولیت مدنی وجود داشته باشد، که لازمه آنها وجود «شخص مسئول» یا «عامل زیان» است که دین مسئولیت بر ذمه او قرار می گیرد. بنابر این در نظام مسئولیت مدنی همیشه تکیه بر شخص مسئول است.

اما در نظام جبران خسارت فقط رکن «ضرر» و به تبع شخص زیان دیده وجود دارد و از «شخص مسئول» و مدیون خبری نیست بنابراین از سایر ارکان مسئولیت (رابطه سببیت و...) هم اثری نیست. کافی است ثابت شود که به قربانی زیانی وارد شده تا جبران شود. در مسئولیت مدنی ممکن است تلاش ما در شناسایی شخص مسئول به نتیجه نرسد و شخص مسئول شناسایی و مشخص نشود یا اصلاً چنین شخصی وجود نداشته باشد در این صورت زیان هم بدون جبران باقی می ماند. اما چنانکه گفته شد در نظام جبران خسارت نیاز به شخص مسئول نیست و به تبع از «فعل زیان بار» و «تقصیر» و «رابطه سببیت» هم خبری نیست و تنها رکن «ضرر» لازم است.

به عنوان مثال ایجاد صندوق تأمین خسارات بدنی یک روش جبران خسارت است که در مورد حوادث رانندگی در حقوق ایران ایجاد شده است (ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵). کسی که در اثر تصادم با اتومبیل تصادف می کند باید از محل آن صندوق جبران خسارت شود. البته این امر منوط به آنست که اتومبیل بیمه نباشد یا به هر دلیل زیان وارده از محل بیمه قابل جبران نباشد.

۲/۲. رابطه بین نظام جبران خسارت با مسئولیت مدنی

در خصوص رابطه بین نظام جبران خسارت و نظام مسئولیت مدنی و این که آیا نظام جبران خسارت جایگزین نظام مسئولیت مدنی می شود یا در کنار آن است دو روش در دنیا وجود

دارد. مطابق یک روش نظام جبران خسارت جایگزین نظام مسئولیت مدنی شده و در آن موارد خاص که نظام جبران خسارت حاکم است قربانی الزاماً باید برای جبران خسارت از آن استفاده نماید و نمی تواند از قواعد عام مسئولیت مدنی بهره مند گردد. اما مطابق روش دیگر نظام جبران خسارت در کنار نظام مسئولیت مدنی قرار می گیرد و شخص قربانی می تواند در صورت مصلحت هر یکی از دو راه حل را برای جبران خسارت انتخاب کند. روش دوم بر روش اول ترجیح دارد؛ زیرا نظام جبران خسارت نباید امتیاز استفاده از قواعد مسئولیت مدنی را از شخص قربانی بگیرد و شخص عامل زیان را از مسئولیت معاف کند. در حقوق فرانسه در خصوص جبران زیان های ناشی از حوادث پزشکی به موجب قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ نظام جبران خسارت ایجاد شده است و زیان قربانی از محل صندوقی که بدین منظور ایجاد شده، جبران می شود، اما در عین حال قربانی می تواند از نظام مسئولیت مدنی هم استفاده نماید. در مورد حوادث رانندگی در نظام حقوقی ما نیز چنین است و روش جبران خسارت از محل بیمه یا صندوق مانع جبران از طریق مسئولیت مدنی نیست. یعنی قربانی مجاز و مختار است که علیه عامل زیان دعوی مسئولیت مدنی اقامه نماید یا از بیمه استفاده کند.

۲/۳. انواع نظام های جبران خسارت

برای ایجاد نظام جبران خسارت چند شیوه وجود دارد که روش بیمه مستقیم (بیمه خسارت) یا ایجاد صندوق تأمین خسارت مهمترین آنهاست.

۲/۳/۱. ایجاد صندوق تأمین خسارت

یکی از روش های نظام جبران خسارت، ایجاد «صندوق تأمین خسارت» است. منظور از صندوق یک سازمان مستقل و جدای از شرکت های بیمه است که دارای شخصیت حقوقی مستقل است (Viney, 1997: p113). زیان دیده با اثبات زیان به خود به صندوق مراجعه می کند و بدون تشریفات خاص جبران خسارت می شود. استفاده از این روش در

دنیا دارای سابقه است. در حقوق فرانسه قبلاً در مورد زیان های ناشی از حوادث رانندگی که عامل آن نا شناخته یا ورشکسته بود چنین صندوقی ایجاد شد (۱۹۶۶)؛ بعدها در مورد ابتلا به ویروس ایدز در اثر انتقال خون آلوده (قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱) و بعداً در ۴ مارس ۲۰۰۲ در مورد حوادث پزشکی چنین صندوقی ایجاد شد و این وضعیت رو به گسترش است. در خصوص نحوه اداره و سازماندهی صندوق و نحوه تأمین مالی آن روش های مختلفی در جهان وجود دارد.

در حقوق ایران در مورد حوادث رانندگی، مطابق ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، چنین صندوقی ایجاد شد که مطابق آن در فرضی که به هر دلیل امکان جبران زیان بدنی وارد بر شخص ثالث ناشی از تصادم اتومبیل از طریق بیمه ممکن نباشد از محل این صندوق جبران می شود. مطابق ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری منابع مالی صندوق بدین شرح تأمین می شود: هشت درصد حق بیمه اجباری، معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسایلی که بیمه نشده اند وصول می شود، مبالغ باز یافتی از عاملان و مسببان حادثه زیان بار و سایر اشخاص که صندوق بعد از جبران خسارت با رجوع به آنان وصول می کند، درآمد حاصل از سرمایه گذاری صندوق، بیست درصد جریمه های رانندگی، بیست درصد هزینه های دادرسی و جزای نقدی و جریمه های موضوع بند پ ماده ۴، ماده ۳۴ و بند ت ماده ۵۷ قانون بیمه اجباری و کمک های مردمی.

۲/۳/۲. بیمه مستقیم - بیمه خسارت

منظور از این روش آن است که زیان دیده زیان وارد بر خود را از قبل بیمه کند تا در صورت وقوع زیان بیمه گر آن را جبران نماید. در این روش به محض وقوع زیان جبران خسارت صورت می گیرد خواه وقوع زیان تقصیر کارانه باشد یا بدون تقصیر و خواه شخصی به عنوان عامل زیان شناسایی شود یا خیر. البته در صورت وجود عامل زیان بیمه گر می تواند بعد از جبران خسارت بیمه گذار به قائم مقامی از او به عامل زیان رجوع نماید.

این روش جبران خسارت امتیازات زیادی دارد: اولاً، به لحاظ اجرایی چون از «مسئولیت مدنی جداست موجب سرعت در جبران خسارت می‌شود؛ ثانیاً، در صورت وجود عامل زیان بیمه گر حق دارد بعد از جبران خسارت به قائم مقامی از زیان دیده به عامل زیان رجوع کند. ثالثاً، این روش هم برای زیان دیده مفید است؛ چون زیان او بدون تشریفات اقامه دعوی و صرف هزینه و با سرعت جبران می‌شود. و چون بیمه گرامتی است به این دلیل که حق رجوع برای بیمه گرو وجود دارد، حق بیمه آن به نسبت کمتر می‌شود. برای بیمه گر هم مفید است چون با حق رجوع به عامل زیان شانس بازیافت خسارت وجود دارد و هم این که عامل زیان از مسئولیت فرار نمی‌کند. (Russo, 2001, p3212) اما عیب این روش آن است که هزینه تضمین و تأمین خطرات فعالیت عامل زیان را باید قربانی زیان پرداخت نماید. زیرا هزینه حق بیمه بر دوش زیان دیده است (Russo, ibid, p3212). در حالی که عامل زیان به جبران این زیان ها سزاوارتر است. بر این اساس نظام صندوق تأمین خسارت رجحان دارد.

نتیجه

به عنوان نتیجه از مطالعه انجام شده باید گفت:

۱. رشد صنعت و فناوری به ویژه در قرن بیستم، بر حقوق مسئولیت مدنی هم تأثیرگذار بوده و سبب تحول شگرف این شاخه از حقوق شده است. این امر سبب تحول مسئولیت مدنی از مسئولیت شخصی به مسئولیت نوعی شده است. حقوق مسئولیت مدنی از شاخه های حقوق تعهدات است و منبع تعهدات غیر قراردادی محسوب می شود. هدف نظام مسئولیت مدنی شناسایی و تعیین شخص متعهد و مسئول در حوادث زیان بار است و در آن از قواعدی بحث می شود که نحوه و چگونگی تعیین شخص مسئول را بیان می کند. به عبارت دیگر در هر دعوی مسئولیت مدنی پای یک شخص مسئول و مدیون در میان است و رسالت مسئولیت مدنی تعیین و شناسایی این فرد است.

۲. اما با رشد فناوری و افزایش حوادث زیان بار و پیچیدگی این حوادث، اعمال قواعد مسئولیت مدنی و تعیین شخص مسئول به مراتب دشوار و گاه غیر ممکن می بود و این امر سبب می شد که دعاوی مسئولیت مدنی که از سوی زیان دیده اقامه می شد به نتیجه نرسد و زیان قربانی بدون جبران باقی بماند؛ امری که به ویژه در زمینه زیان های بدنی بر خلاف اخلاق و عدالت بود و با هدف مسئولیت مدنی که همانا جبران خسارت زیان دیده است سازگار نبود. زیرا اخلاق تغییر کرده بود در حالی که در قرن هجدهم اگر کسی بدون ارتکاب تقصیر ضامن زیان وارد بر دیگری دانسته می شد غیر اخلاقی بود و همین امر مبنای طرح نظریه تقصیر در مسئولیت مدنی شده بود، در قرن بیستم اگر زیان یک قربانی بدون جبران باقی می ماند غیر اخلاقی می نمود. بنابراین، نگاه مسئولیت مدنی از شخص مسئول به سمت شخص زیان دیده تغییر یافت و مسئولیت مدنی با هدف جبران بیشتر کامل خسارت به ویژه در حوزه زیان های جسمانی متحول شد.

۳. در نخستین گام رویه قضائی با استفاده از ابزاری که در اختیار داشت تلاش کرد با تعدیل در شرایط مسئولیت مدنی، اثبات دعوی مسئولیت مدنی و پذیرش آن را تسهیل کند. اما این امر کافی نبود و اقامه دعوی هزینه بر و اثبات آن همچنان مشکل بود. در گام بعد با مداخله قانون گذار به سمت ایجاد نظام جبران خسارت پیش رفت.

۴. در نظام جبران خسارت برای جبران زیان، لازم نیست شخص معینی به عنوان مسئول و مدیون دین جبران خسارت وجود داشته باشد و به جریان پیچیده و هزینه بر اقامه دعوی هم نیازی نیست. بلکه زیان قربانی به صرف یک تقاضا از محل خاص جبران می شود. در واقع به جای آن که بار جبران خسارت بر عهده شخص معینی قرار گیرد بر جامعه و افراد متعدد سرشکن می شود و جبران آن آسان تر می شود.

۵. در نظام مسئولیت مدنی وقتی زیانی ایجاد می شد دنبال آن بودند تا عامل زیان و فرد مسئول را شناسایی کنند و قواعد مسئولیت مدنی و نظریه تقصیر یا خطر کمک می کرد تا فرد مسئول شناسایی و مشخص گردد و اگر در این مسیر موفقیتی حاصل نمی شد، زیان قربانی بدون جبران باقی می ماند. اما در نظام جبران خسارت وقتی زیانی واقع می شود، فرض می شود که چنین شخصی طلبکار است و بدون نیاز به شناسایی فرد مسئول و مدیون باید طلب وی پرداخت شده و زیان او جبران شود، بدون نیاز به اقامه دعوی و صرف هزینه. بدین منظور صندوق تأمین خسارت ایجاد شده یا نظام خاص بیمه ای پیش بینی می شود و از آن محل جبران خسارت صورت می گیرد. بدینسان هدف نظام مسئولیت مدنی از دین مسئولین به سمت طلب جبران خسارت متحول شده است.

۶. این حرکت که از قرن بیستم در جهان ایجاد شده به سرعت ادامه دارد و روز به روز بر قلمرو نظام های جبران خسارت افزوده می شود. در حال حاضر در حوزه زیان های جسمانی ناشی از حوادث رانندگی، آلودگی های خونی، حوادث درمانی، تشعشعات اتمی، تروریسم و... نظام جبران خسارت در کشورهای پیشرفته جهان ایجاد شده است. در حقوق

ایران هم در حوزه حوادث رانندگی این نظام به وجود آمده است. در وهله نخست وسایل تقلیه موضوع قانون باید در مقابل زیان هایی که در اثر تصادم به اشخاص ثالث وارد می شود، بیمه شوند (ماده ۲ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵) و در وهله بعد اگر اتومبیلی بیمه نبود یا سقف بیمه کفایت نکرد، از محل صندوق تأمین خسارت بدنی که بدین منظور ایجاد شده جبران می شود (ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵). پیش بینی می شود که در آینده نه چندان دور در موارد دیگر، از جمله حوادث پزشکی و... چنین نظامی ایجاد شود.



فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. امینی، منصور، رضا دریائی (۱۳۹۸)، «تحلیل اقتصادی خسارت صرفاً اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۶، ص ۱۶۹ به بعد.
۲. بادینی، حسن (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۷۸-۵۸.
۳. جوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، همراه با آرای دیوان عالی کشور فرانسه، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۴. صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
۵. کاتوزیان، امیر ناصر (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. کاظمی، محمود (۱۳۸۰)، «نظریه ازدست دادن فرصت در مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۳۸۰، ش ۵۳، ص ۲۲۸-۱۸۵.
۷. کاظمی، محمود (۱۳۸۶)، «مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی های خونی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۳، ص ۲۴۰-۲۰۷.
۸. کاظمی، محمود (۱۳۹۵) «شیوه جبران زیان های جسمانی در حقوق اسلام و نظام های حقوقی جدید؛ امکان مطالبه خسارت علاوه بر دیه»، مندرج در: حقوق؛ جان مایه بقای اجتماع، گفتارهای حقوقی در نکوداشت استاد سید عزت الله عراقی، به کوشش: امیرحسین رنجبریان، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۶۷۶-۶۳۶.
۹. موسوی، سید محمد صادق، خزائی، سیدعلی و دهقان، سیدهادی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی خسارت اقتصادی و عدم النفع»، فصل نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷.

ب- منابع لاتین

1. Durry, Goerge, (1977), " La causalité est une énigme de notre droit", notre sous jurisprudence ,RTD civ. 1977, p326.
- 2.Gout,Oliver,(2002), "Conception extensive du lien de causalité ", note sous 1er civ. 4 dé c. 2001, JCP,2002, II,10198, p 2288.
3. Jones, Michel,(2003), Medical Negligence, sweet & Maxwell, London.
4. Jourdain,Patrice, (1992) ," Responsabilité civile et contamination par virus du SIDA à la suite trnsfusions" , RTD civ, 1992, p118.
7. Lambert- .Faivre, Yvonne, (1996), Driot du dommage coporel, 3er ed., Daloz, 1996, Paris, no 99, p.169 et s.
8. Lambert- .Faivre, Yvonne,(1987), " L'é volution de la responsabilité civile d'une dette de responsabilité à une cré ance d'indemnisation, RTD civ, 1987,p1-19.
- 9.Mazeaud, H.I., Mazeaud, J., (١٩٧٠) Traité Thé orique et pratique de la responsabilité civile, dé lectuelle et contractuelle, preface par Henri Capitan, T.II, 6ered. Mntchrrestien, Paris.
- 10.Russo,Chantal,(2001), "L'avance sur recours, une solution à l'indemnisation des victims d'accidents mé dicaux?", Requell Dalloz, n° 40, 15 novembre 2001/ Chroniques, p3211.
11. Sargos,Piere, (2001), " note sous cass, 1erciv. 9 mai. 2001", RTD civ, 2001, p889.
12. Sargos,Piere,(1997), "note sous 1er civ. 7 juille 1977", JCP, II22292, p 436
- 13.Sargos, piere, (2000)," L'alé a thé rapeutique devant le judiciaire",JCP,2 février 2000,I2020,p190.
14. Sargos,Piere,(1999), "Infection nosocomiale",JCP,1999, p147.
- 15.Terré, F., Simler, Ph. , Lequette, Y. et Chéné dé , Droit civil, Les obligations, 12ered. Dalloz, Paris.
16. Viney, Genevié ve,(1996), Traité de aroit civil, introduction à la reposabilité , sous la direction de Jaques Ghestin, 2ered., L.G.D.J.,Paris.
17. Viney, Genevié ve,(1997),"Rapport de synthese", (dans: Viney, Genevié ve, L,indemnisation des accidents mé dicaux, 1er, L.G.D.J., p 113.
- 18.Viney, Genevié ve,(2000)," Responsabilité civile", note sous cass,1ercivil, 23 mai 2000, JCP, I280,p 2285.